

هفته شهید

۹ سپتمبر مطابق به روز قتل «احمد شاه مسعود» است که به افواهاات گوناگون نحوه کشته شدن وی که بر گروه نامبرده دقیقاً و کاملاً آشکار است، در فضای مجازی اخبار ضد و نقیضی منتشر شده است، که مهمترین همانا اتهامیست که بر دو عکاس و خبرنگار عرب وارد میگردد که گویا برای قتل عملیه انتحاری انجام داند.

چون مسعود در سالهای اخیر و عصر سلطه اول طالبان به اقصی نقاط افغانستان پناهنده گردیده بود، از ملاقات با خبرنگاران و عکاسان اباء میوزید، این دو شخص هفته ها در منزل ربانی و قانونی بسر بردند تا زمینه ملاقاتشان با «احمد شاه مسعود» فراهم گردید.

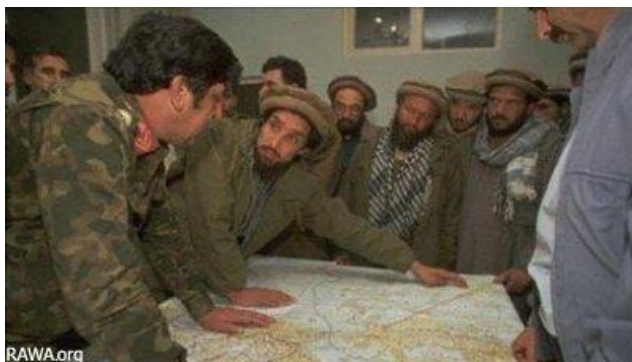
طوریکه در روز های مرگ مسعود از جانب گروه شورای نظار اعلام گردید، کمره عکاس عرب درین ملاقات منفجر شده و باعث قتل مسعود گردید؛ ولی چند ماه بعد ویدیو و مصاحبه ای از «مسعود خلیلی» دوست و همگام احمد شاه مسعود که در آن وقت به دیدار ولی نعمت خویش رفته بود، با یک خبر نگار فرانسوی منتشر گردید که با رد اعلامیه قبلی، پرده از راز قتل مسعود بصورت مستدل و مستند برداشت!

درین ویدیو که داخل اطاق را نشان میدهد، از قضاء کمره خبرنگار عرب صحیح و سالم با سه پایه آن بروی زمین افتاده است در حالیکه آثار دود و سوختگی در هر طرف به چشم میخورد. «مسعود خلیلی» به صراحت اظهار میدارد که شعاع آبی رنگ برنده ای از خارج اطاق «احمد شاه مسعود» را هدف قرار میدهد و حادثه قتل مسعود و خبرنگار عرب و زخمی شدن خود وی صورت میگیرد. عکاس عرب که موفق به فرار از راه پنجره میگردد، ذریعه بادی گارد های متعلق به «قسیم فهیم» مورد تیراندازی سراپا میگردد و بدینصورت شاهد عینی هم کشته میشود.

با تفصیل بالا، بعد از شکست طالبان و هجوم ناتو و قوای خارجی و نصب «حامد کرزی»، اظهار من الشمس است که این انسان متقلب با حمایت و قدرمندی از بقایای خاینان خلق و پرچم جنایتکاران جنگ های خونین افغانستان، چه کجروبی هایی را مرتکب گردید که یکی آن باوجود سوابق سیاه مسعود و گروه وی لقب «قهرمان ملی» را به نامبرده اعطا نمود و جنایتکار حرفوی و بیسواد

بیکیفایت، «قسیم فهیم» را به مقام «مارشالی» مفتخر گردانید. از همه مسخره تر که روز قتل مسعود را به نام «هفته شهید» مسمی نمود و بر خون پاک ملیون ها شهید و مبارز ملی خط سیاه کشید!

به ارتباط به موضوع «هفته شهید» که بی مهابا کار روایی های «احمد شاه مسعود» هم مطرح میگردد، در میدیای مجازی انترنتی هم البته با تکیه به نظریات، تبلیغات و عقاید آزاد هموطنان، ضد و نقیض هایی را در مورد، جنگ سالار مذکور مطالعه می نماییم. در زمینه دوست و همکار فرهنگی، محترم «داوود ملکیار» در دریچه نظریات و بسایت «آریانا افغانستان آنلاین» گویا با صراحت ازین روش پیروی می نماید که آنچه «یقین این طرز تفکر هرآنچه را مسعود از وابستگی علنی به آی اس آی، سی آی آ، م آی ۶ و قوای اشغالگر نمبر ۴۰ اتحاد و شوروی وقت با استناد به راپور های معتبر ممالک درگیر به جنگ های افغانستان و خاطرات مأمورین خارجی و داخلی منتشر گردیده است، زیر سؤال می برد» را مسعود مرتکب گردیده است در حقیقت ایجابات همان موقف و همان عصر و زمان بوده است. آیا قرار داد ها و پروتوکول هایی که با قوای اشغالگر به حکم منابع معتبر برای حمایت از آن قواء و سرکوبی مجاهدین برحق مناطق اطراف سالنگ ها صورت گرفت، هم اجبار وقت و زمان بوده است؟! شراکت در معاهده برای جدایی شمال و جنوب افغانستان «شهنواز تتی، احمدشاه مسعود و جنرال گروموف» که خوشبختانه با عدم قبولی شورای وقت، بار کج به منزل نرسید، چطور؟ آیا مفکوره تجزیه خاک مقدس افغانستان به منظور تشکیل و تطبیق پلان ابدی «تاجکستان بزرگ» هم از ایجابات عصر و زمان بود؟!



مجموعه ای ازین تصاویر که مسعود را بالای نقشه مقدس افغانستان با گروه نبی عظیمی، نورالحق علومی، وابستگان مهم دولت وابسته به شوروی، فهیم و انجنیر پناه که از اسرار زیادی مطلع بود و ذریعه شورای نظار بعداً کشته شد، نشان میدهد... و سؤال اینست که مسعود با خائنین قدرتمند حزب پرچم چه مذاکراتی بر روی نقشه مقدس کشور داشت، تقسیم و ترکه مادر وطن؟! سالهاست هیچ دفاعیه ای در مورد این عکس صورت نگرفته است!

با شناختی که از دوست ما محترم «داوود ملکیار» داریم، وی هرگز به «احمد شاه مسعود» لقب قهرمانی نمی بخشد و میداند که مقاومت نامبرده به مقابل قوای شوروی فقط چند سال محدود در اوایل بوده، بلکه

ویرا به منزله «یک چشمه در شهر کوران» میبندارد و به مجرمین جنگی دیگر، منجمله که «گلبدین حکمتیار» باشد مقایسه میکند، در حالیکه گروه های هفتگانه تنظیمی و رؤسای جنگ های خونین جهادی هم خاینین ملی و وابسته به یکی از همسایه های غدار بودند، ولی با راکت پرانی های متداوم بر اهالی بی دفاع شهر کابل و ویرانی وحشتناک آن، این دو، قهرمان ایجاد وحشت و دهشت شمرده میشوند.

البته غیر از «مسعود» بقیه رؤسای تنظیم ها که هرگز قابل عفو نمیباشند، در تجزیه خاک مقدس افغانستان نظری نداشتند و نه قرار داد ها و پروتوکول های باهمی را علیه مجاهدین ملی با قوای شوروی امضاء نموده با حفظ سالنگ ها و پایپ لاین گاز، جنگ افغانستان را به درازا کشیدند!!

گرچه چند سطر محدود دوست فرهنگی ما «داود ملکیار»، نباید نشر دفاتری مستند از حوادث خیانت و جنایت یک جنگ سالار را ایجاب نماید، ولی اینکه هنوز کتمان و اغماض حقایق سرنوشت ساز تاریخ مردم افغانستان موجبات ناباوری را در نتیجه تبلیغات و نظریات شخصی، برای نسل های ما سبب میگردد، وظیفه با بیطرفی و استناد باید بر اوراق تاریخ صحه گذاشت. بنابراین، در میدیای بیرون کشور با همکاری دوست فرهنگی دیگری که محترم «میر عبدالرحیم عزیز» محقق، مترجم و مسعود شناس افغان هستند، مدارک و اسنادی را برای افشای حقایق تلخ درین زمینه به تدریج فراهم خواهیم نمود. ناگفته نماند که در مورد تلفات تقریبی ۱۱-۱۲ فروری ۱۹۹۳ «قتل عام افشار» و جنگ های خونین و جنایات بشری ۱۹۹۲-۱۹۹۶ هم اختلاف نظری با دوست محترم ما آقای «داود ملکیار» موجود است، یعنی در هر دو مورد تلفات ناچیزی «!؟» به زعم ایشان بر مردم بی دفاع پایتخت وارد شده است که باید تعداد تلفات را هم از منابع معتبر بدست آورده و تقدیم هموطنان ارجمند نماییم.

به سلسله تبصره بالای روز شهید، اختراع خودسرانه «حامد کرزی»، به سراغ مطلب مطبوعاتی خبره و مدیر مسئول مجله ملی و وزین «لمر»، میرمن «درخانی ذهین» در فیسبوک ایشان می رویم:

هفته شهید:

سوال مطرح میشود که کدام شهید؟! !

آیا این روز، روز یادبود میلیونها هموطن من است که بیگناه، بیرحمانه، ظالمانه و ناجوانمردانه طی این چهل و چند سال اخیر به شهادت رسیده اند؟ و یا روز تجلیل و بزرگداشت از قاتلین هموطنان بیگناه من!!!



منظره رقتباری از ویرانی پایتخت افغانستان در عصر خونین ربانی- مسعود. دردا که منار ویران سپاهی گمنام هم هدف راکت پرانی های مسعود - حکمتیار قرار گرفته است

من از شاهدان عینی جنایات سالهای ۱۹۹۲ و بعد از آن هستم. من شاهد قتل عام مردم شهر کابل ام از زن، مرد، پیر و جوان این شهر هستم. آیا از شهریان شهری که همه روزه زیر باران راکت و بم چند قدرت طلب جانی فریاد میزدند و عزیزان خود را دفن میکردند، یادی خواهد شد؟ آیا از زنانی که سینه هایشان بریده شد و مردانی که در داش های خشت پزی پخته شدند، یادی خواهد شد؟ آیا از آنانیکه عزت شان برباد رفت، کسی یاد خواهد کرد؟ آیا درین روز به عاملین این جنایات بشری نفرت تانرا نثار خواهید کرد!

ای آنانیکه امروز صفحات تان با تقدیر و یا پیروی از جنایتکاران، وطنفروشان، خابنین، متعصبین، دزدان و عاملین جنایات بشری در افغانستان پر است، لعنت بر شما .

من امروز به یاد میلیونها شهید هموطنم که دیگر صدا ندارند تا صدای خود را بلند کنند صدا بلند میکنم و نفرت و انزجار خود را نه تنها به جنایتکاران "این عاملین اصلی جنایات بشری در افغانستان" بلکه بیشتر از آن به حامیان ناانسان شان میفرستم. لعنت خدا، رسول و ملت بر جنایتکاران و کسانی که از جنایتکاران مستقیم و غیر مستقیم حمایت میکنند. الحق که در انسان بودن شما شک است و درینکه شیر انسان را خورده اید شک بیشتر!!!

خانه هایتان خراب بادا!!!

د شهید اونی!

دکوم شهید اونی؟

په دې اونی کې آیا زما له هغه بیگناهو هیوادوالو چې په ډیره بیرحمي او ناخواني شهیدان شوي دي، یادونه کېږي؟ او یا دا اونی زما د بیگناهو هیوادوالو د وژونکو د ستاینې اونی ده؟

زه د ۱۹۹۲ کال او وروسته کلنو د جنایاتو شاهدېم. آیا په دې اونی کې د هغه ماشومانو، بنځي، نارینه، سپین سرې او شپین ږیرې کابلینانو نه چې د څو قدرت طلبو زورواکو د راکیتو لاندې شهیدا شول یادونه کېږي؟ آیا د هغه بنځو چې تي يې پرې شول او عزت يې لوټ شو یادونه کېږي او یا د هغه نارینه چې د خښتو د پخولو داشو کې پاڅه شول یادونه کېږي؟ او یا دا اونی زما د ولس د قاتلینو او هیواد د پلورونکو د درناوي اونی ده؟!

تاسو چې پانې مو د وطنپلورونکو، خاینانو، زورواکانو او جنایتکارانو د ستاینې نه ډکې دي، لعنت پر تاسو!

نن زه د هغه میلیونو افغان شهیدانو په استازیتوب غږ پورته کوم او خپله کرکه او نفرت جنایتکارانو او د جنایتکارانو پلویانو ته رسوم. د خدای، رسول او امت تو او لعنت پر جنایتکارانو او د هغوی په پلویانو. زه نه یواځې ستاسو پر انسانیت بلکه په دې چې تاسو د انسان شیدې رودلي وي، شک لرم. خدای مو وشرموه!

کور مو وړان شه

تبصره این قلم بر مطلب مذکور:

درخاني جان عزیز، صد آفرین بر قلم و احساس ملي و انساني شما که در مورد يکي از خطاهای جگرسوز ملي و اجتماعي افغانستان ويران و سرزمین شهداء... همان شهدا ئیکه صدای حق و ناله مظلومانه شان در گلو خفه گردیده ، صدا بلند مي نماييد.

نهم سپتمبر که در حقیقت روز قتل مسعود از جانب گروه خیانت پیشه وي با بازی های پشت پرده کثیف سیاسی است، از طرف حامد کرزي دلّک به نام هفته شهید مسمي گردید، این تصمیم خار چشم يك ملتي گردید که مانند شما شاهد عيني مليون ها شهيد وطن در عصر اشغال افغانستان عزیز و جنایات بشري هولناک گروه هاي جهادي و ادم کشان حرفوي بودند.

انچه از عصر جنایات خلق و پرچم خاک فروش تا الان بر ملت ما فرود مي آید، در حقیقت زاده اعمال همان وطنفروشان، چپاولگران و مجرمین جنگ هاي دهشتبار کشور در غم نشسته ماست.

چرا باید هفته شهید در روز قتل فرزند ناخلفي باشد که با شوروي پروتوکول ها امضاء نمود و سالنگها و پایپ لین را براي قوای زمينه روس محافظت نمود و بعد تر در تقابل با گروه هاي دیگر جهادي کابل را در خون و آتش مذاب فرورد؟ چرا این روز را که باید از شهادت مليون ها هموطن تقدیر گردد، با تاریخ قتل جنایتکار افشار مزین ساخت، آنکه با گلبدين کابل را به راکت و توپخانه بستند و جوي خون را در کوچه و بازار روان نمودند؟ این ددمنشان جنایت پیشه در عصر سیاه

جمهوريت رباني و قومانداني مسعود، مظلومي که بر زن و دختر بيدفاع افغان وارد نمودند، روي تاريخ را سياه نمود و پشت دست چنگيز و هیتلر را بوسيدند!
مرگ بر هرآنکه بر ملت مظلوم افغانستان اين جنايات بشري را تحميل نمود و اميدواريم براي ائتلاف دعا به ارواح مقدس شهدائ وطن، روز ديگري به عوض روز خجالتبار ۹ سپتمبر انتخاب گردد.

پاسخ ميرمن درخانی ذهين:

ملال گرامی! اين سرزمين به همت فرزندان رشيد و حقيبنی مثل شما پا بر جاست. ما هرگز دشمنان اين سرزمين و قاتلين اين ملت را نمی بخشيم و در برابر جنايات شان هميشه صدا بلند خواهيم کرد. ما نخواهيم گذاشت که تاريخ را مسخ کنند و نسل آینده را اغوا. ما به همه عاملين جنايات بشري در افغانستان بدون در نظر داشت قوم، زبان، سمت و مذهب نفرين و انزجار خود را ميرسانيم

پايان

Dawatmedia۲۴.com